

یادکرد نعمت‌ها در قرآن و جهت‌دهی بینش انسان

Maryamgh1357@gmail.com **مریم قربانی** / کارشناس ارشد تفسیر قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

Karimi@qabas.net **مصطفی کریمی** / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۹۵/۹/۲۴ پذیرش: ۹۶/۳/۱

چکیده

قرآن کریم آخرین وحی الهی است که برای هدایت انسان به کمال مطلوب از سوی خداوند نازل شده است. این کتاب آسمانی برای هدایت انسان، از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کند. یکی از این روش‌ها، «یادکرد نعمت‌های دنیوی و اخروی» است. یادکرد نعمت‌ها ممکن است از راه‌ها و مجاری گوناگون در هدایت انسان مؤثر باشد. یکی از این مجاری بینش انسان است. حال این سؤال مطرح است که از نگاه قرآن کریم، یادکرد نعمت‌ها چگونه نقش هدایتی خود را ایفا می‌کند. این مقاله در پی یافتن پاسخ مناسب به این پرسش است و هدف آن فراهم کردن زمینه مناسب برای استفاده از روش یادکرد نعمت‌ها در هدایت افراد توسط هادیان جامعه است. روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و فیش‌برداری و استفاده از تفاسیر معتبر است و روش پردازش اطلاعات به شکل توصیفی - تحلیلی و به روش تفسیر موضوعی روشمند است. این پژوهش نشان می‌دهد تأثیرگذاری یادکرد نعمت‌ها بر بینش انسان، از راه اصلاح باور به وجود خداوند، باور به احسان خداوند و اصلاح باور درباره اهداف متعالی، ارزش‌ها، دنیا و مقام تقواست.

کلیدواژه‌ها: قرآن، هدایت، یادکرد نعمت، بینش انسان، باور به خدا و احسان او، ارزش‌های انسانی، تقوا.

مقدمه

از این آثار به چگونگی تأثیرگذاری یادکرد نعمت‌ها در هدایت از طریق تصحیح بینش ایشان توجهی نکرده است. بدین‌روی، تحقیق در این باره همچنان ضرورت دارد. نوشته پیش‌رو در پی بررسی نقش یادکرد نعمت‌ها در هدایت انسان از طریق تصحیح بینش انسانی است تا خدمتی در جهت شناخت دقیق‌تر راه کارهای قرآنی در هدایت انسان‌ها باشد.

مفهوم‌شناسی

الف. «نعمت»

«نعمت» در لغت، از ماده «نعم» به آسایش و زندگی خوب و به مال و زندگی خوب اطلاق شده است که خداوند به بندگانش روزی می‌کند (ابن‌فارس، بی‌تا، ماده نعم)، و مراد از «نعمت» خداوند منت و بخشش اوست؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ (لقمان: ۲۰) (زهری، بی‌تا، ماده نعم). راغب می‌نویسد: «نعمه» با کسر نون، همان حال نیکوست، و «نعمه» به فتح نون، به رفاه و آسایش اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده نعم).

شریف جرجانی معتقد است: «نعمت» آن است که به واسطه آن قصد احسان و نفع شود، نه برای عوض و پاداش و نه برای غرض (جرجانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۰). در این صورت، این معنا را نیز می‌رساند که بلا و سختی هم نعمت هستند؛ زیرا از جانب خالق، تنها خیر و احسان و نفع قصد می‌شود: «سبحانک الخیر کله فی یدیک و الشر لیس الیک» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۵۹۱).

«بینش»

«بینش» در لغت، توانایی نگرستن به پدیده‌ها و دریافت رویدادها و تأثیرپذیری و نتیجه‌گیری از آنهاست (صدری

پس از آفرینش انسان و خلقت، اولین چیزی که خداوند برای وی ضروری می‌داند، نیازمندی به هدایت و پرورش است (طه: ۵۰). از این‌رو، خداوند، کتب آسمانی را برای هدایت انسان‌ها فرستاده و قرآن کامل‌ترین کتاب هدایت خداوند است (بقره: ۱۸۵). قرآن از روش‌های گوناگونی برای هدایت انسان به سوی کمال استفاده کرده است. یکی از این روش‌ها، «یادکرد نعمت‌ها» است. بدون شک، هر انسانی به دنبال کسب سعادت است. بینش در سعادت انسان مؤثر است؛ زیرا بینش انسان جهان‌بینی او را شکل می‌دهد که نتیجه آن اعتقاد به ارزش‌های متناسب با آن بینش و آگاهی است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۴۴۸). بنابراین، برای رسیدن به سعادت، باید بینش خود را تصحیح کرد. از این‌رو، قرآن با یادکرد نعمت‌ها درصدد جهت‌دهی بینش انسان‌هاست تا از این طریق، انسان را به سعادت رهنمون سازد، و خود بیان می‌کند که یادکرد نعمت، انسان را به سعادت نزدیک می‌سازد: ﴿فَادْكُرُوا ءَالَآءَ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾ (اعراف: ۶۹)؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید تا رستگار شوید.

گرچه برخی آثار و تحقیقات به نعمت‌های الهی و نقش یادکرد آن در هدایت انسان اشاره دارند؛ از جمله: انسان‌سازی در قرآن (۱۳۹۰) و اخلاق در قرآن (ج ۱) (۱۳۹۱)، اثر آیت‌الله محمدتقی مصباح؛ انسان به انسان، اثر آیت‌الله عبداللّه جوادی آملی؛ المیزان فی تفسیر القرآن (۱۴۱۷ق)، اثر علامه سیدمحمدحسین طباطبائی؛ تفسیر نمونه (ج ۲) (۱۳۷۴)، اثر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی؛ مبانی اندیشه اسلامی (ج ۴) (۱۳۸۸)، نوشته جمعی از نویسندگان.

با وجود این، منابع مذکور تنها به شکل کلی، به هدایت قرآن از طریق بیان نعمت‌ها اشاره دارند و به ذکر نام و آیات مربوط به این نعمت‌ها اکتفا کرده‌اند. هیچ‌یک

در این آیه شریفه، خدای متعال انسان‌ها را به تفکر و تدبر فرامی‌خواند تا بدانند که این همه مواهب و برکات، و این همه امکانات حیاتی که در اختیار آنان قرار گرفته و در آن غوطه‌ورند منشأ اصلی و سرچشمه‌اش خالق جز خداوند نیست. اوست که نور حیات بخش آفتاب و قطرات باران و امواج روح‌پرور نسیم را از آسمان به سوی انسان می‌فرستد. و اوست که معادن و ذخایر زمین و مواد غذایی و انواع گیاهان و میوه‌ها و برکات دیگر را از این زمین برای انسان خارج می‌کند.

انسان بر پایه فطرت و سرشت خداداد خویش، حقیقت‌جوست و بر بنیاد اصل علی و معلولی، از منشور شناخت نعمت‌ها به وجود صاحب نعمت و یگانگی او در ربوبیت و خلقت ﴿هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ﴾ (فاطر: ۳)، بیش از پیش پی می‌برد و درمی‌یابد که جهانی با این نظم و هماهنگی تنها می‌تواند یک صاحب و رب داشته باشد. بر این اساس، یادکرد نعمت‌ها، استدلالی بر یگانگی خداوند در پرستش نیز هست؛ زیرا همان‌گونه که صاحب نعمت‌ها تنها یک رب است، معبود لایق پرستش نیز یکی است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۴۷۲). بنابراین، یادکرد نعمت‌ها علاوه بر اینکه انسان را به وجود صاحب نعمت آگاه می‌سازد، زمینه شناخت صفات خداوند را نیز فراهم می‌سازد و به انسان یادآوری می‌کند که این نعمت‌ها از جانب خداوندی توانا و مدبر است که انسان همواره به او نیازمند است. پس باید در جهت اطاعت هرچه بیشتر او بکوشد. در آیات بسیاری، خدای متعال برای هدایت انسان به سوی توحید، آیات و نشانه‌های الهی را برمی‌شمارد. ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره: ۱۹۰). این آیات در صورتی انسان را با توحید آشنا می‌کند که وی با استفاده از نیروی خرد و اندیشه‌ورزی، خود به تفکر و تدبر بپردازد.

افشار، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۰۴) و در اصطلاح، به معنای آگاهی و دیدگاه است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۲۸۸). بنابراین، مراد از «بینش» در این تحقیق، آگاهی یقینی و بصیرت است. یادکرد نعمت‌ها در تصحیح بینش انسان نسبت به امور گوناگون مؤثر است و موجب هدایت او می‌شود. در ادامه این امور را بررسی می‌کنیم:

یادکرد نعمت‌ها و اصلاح بینش انسان نسبت به خدا

با توجه به اهمیت بینش و تأثیر آن بر سعادت انسان، قرآن به این مسئله اهمیت فراوانی داده است و بخشی از آیات آن در پی اهداف بینشی است؛ اهدافی مانند رهایی از غفلت، یادآوری فراموش‌شده‌ها، ارائه بینش صحیح و ضروری، و تبیین حق از باطل (رجبی، ۱۳۷۷، ص ۵۲-۶۲). از قرآن کریم استفاده می‌شود که یادکرد نعمت‌ها بینش انسان را نسبت به خداوند از جهات گوناگون تصحیح می‌کند و از این طریق، زمینه هدایت انسان را فراهم می‌سازد:

۱. شناخت وجود خدا

معرفت به خداوند نقش قابل توجهی در سعادت انسان دارد و در نگاه قرآن کریم، از جمله راه‌های معرفت به خداوند، شناخت نعمت‌های اوست. از این رو، خدای متعال در قرآن، انسان‌ها را به یادکرد نعمت‌ها دعوت می‌کند تا بدانند که جز خدای متعال کسی نیست که آنها را از نعمت‌های آسمانی و زمینی بهره‌مند ساخته است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِّي تُؤْفَكُونَ﴾ (فاطر: ۳) ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه (از حق) انحراف می‌یابید؟

«حَسَن»، به معنای نیکی و ضد قبح است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۱۴).

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۳)؛ نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمن (یکدیگر) بودید. پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او، برادر هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شمارا از آن رهانید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند تا شما راه یابید. در دوران جاهلیت، دو قبیله بزرگ در مدینه وجود داشتند که بیش از صدسال جنگ و خون‌ریزی و اختلاف در میان آن دو جریان داشت و هرازگاهی به جان یکدیگر می‌افتادند و خسارات جانی و مالی فراوانی بر یکدیگر وارد می‌کردند. یکی از موفقیت‌های بزرگ پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که به وسیله اسلام، صلح و صفا در میان آن دو ایجاد کرد و با اتحاد آنها، جبهه نیرومندی در مدینه به وجود آمد. اما از آنجا که ریشه‌های اختلاف فوق‌العاده زیاد و نیرومند و اتحاد تازه و جوان بود، گاه بیگاه، اختلافات فراموش شده شعله‌ور می‌گردید، اما در پرتو تعلیمات اسلام و تدبیر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خاموش می‌گشت. آیه فوق اشاره به این نوع اختلافات دارد که بر اثر تعصب‌های جاهلانه به وجود آمد و خدای متعال در قرآن کریم، به صورت یک حکم عمومی، همه مسلمانان را با بیان مؤثر و مؤکدی به اتحاد دعوت نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶-۲۷).

در آیه فوق مراد از «حبل الله» اسلام است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۲۲؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۱۶) و «نِعْمَتَ اللَّهِ» نعمت اسلام است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۲۹۴) که سایر نعمت‌ها، مانند نعمت هدایت، وحدت، محبت، سعادت و سلامت در پی آن

لازم به ذکر است که شناخت خداوند مستلزم ایمان به او نیست؛ زیرا ایمان در صورتی تحقق پیدا می‌کند که شخص افزون بر شناخت خداوند، در ظاهر و باطن و از روی میل، در برابر حق تسلیم باشد. قرآن کریم از کسانی حکایت می‌کند که در دل به نعمت‌ها و آیات الهی یقین و اطمینان داشتند و در عین حال، به آنها کفر می‌ورزیدند و از روی جحود انکار می‌کردند: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ (نمل: ۱۴). از این تعبیر، به خوبی استفاده می‌شود که ایمان واقعی غیر از علم و یقین دارد، و ممکن است کفر از روی جحود و انکار در عین علم و آگاهی سرزند.

در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا...﴾ (نحل: ۸۳)؛ نعمت خدا را می‌شناسند، اما باز هم منکر آن می‌شوند. یعنی: آنها نعمت خدا را به عنوان اینکه از خداست، می‌شناختند و مقتضای این شناسایی این بود که به او و رسول او و روز جزا ایمان آورند و در عمل تسلیم شوند، اما بعکس، وقتی پای عمل می‌آید، به آنچه مقتضای انکار است عمل می‌کنند، نه آنچه اثر معرفت است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۱۶).

بنابراین، خدای متعال را از طریق تدبیر و شناخت آیات او و همچنین از طریق صفات او بدون ادراک ذات او می‌شناسیم و براین اساس، گفته می‌شود: «فَلَا يُعْرِفُ اللَّهَ»؛ فلانی به خداوند معرفت و شناخت دارد، ولی گفته نمی‌شود: «فَلَا يَعْلَمُ اللَّهَ» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۲۸). نتیجه این‌که در جهان بینی قرآن کریم، شناخت نعمت‌های الهی برای کسانی که طالب حقیقت‌اند از جمله راه‌های شناخت خداوند معرفی شده است.

۲. باور به احسان خدا

یکی دیگر از آثار بینشی یادکرد نعمت در قرآن کریم، باور به احسان خداست. «احسان» مصدر باب افعال از

که یهود به صورت کفران و عصیان و عهدشکنی و تمرد و لجاجت از خود نشان داد، برمی‌شمارد و به دوازده قصه از قصص آنان اشاره می‌کند؛ از جمله: قصه نجاتشان از شر آل فرعون، شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان، قصه میعاد در کوه طور، قصه گوساله‌پرستی آنان بعد از رفتن حضرت موسی علیه السلام به میقات و داستان تقاضایشان از او که خدا را به آنها نشان دهد تا آشکارا او را ببینند و به کیفر همین پیشنهادشان دچار صاعقه شدند و دوباره زنده گشتند، تا آخر داستان‌هایی که در این آیات بدان‌ها اشاره شده و سرتاسر آنها پر است از عنایات ربانی و الطاف الهی (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۱). در اینجا نیز یادکرد نعمت‌ها یادآور احسان خداوند است.

در جای دیگر نیز خداوند به یادآوری احسان خود و نعمت‌هایی که به انسان عطا کرده است، می‌پردازد و سپس به احسان فرمان می‌دهد: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۷)؛ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن. قرآن در این آیه، بعد از یادکرد نعمت‌های دنیوی و اخروی به انسان، با عبارت «أَحْسَنَ اللَّهُ»، احسان خدا را در حق انسان یادآوری می‌کند.

پس با یادآوری نعمت‌های خداوند، احسان او را به خاطر می‌آوریم و به همین سبب، امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی: ۱۱) (از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن بگویی)، می‌فرماید: یعنی از آنچه به تو بخشیده و برتری‌ات داده و روزی‌ات کرده و از احسان و هدایت الهی که از آن برخوردارت ساخته است سخن بگویی و یادکن (حکیمی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۰). در قرآن کریم، گاه از نعمت به «رَحْمَةً» تعبیر شده

تحقق می‌یابد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۱۹۲-۱۹۵). خداوند به نعمت اسلام و امنیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: شما حلاوت اتحاد و الفت و تلخی عداوت را چشیده‌اید و در اثر تفرقه، در لبه پرتگاه آتش بودید، و در اثر اتحاد و الفت، از آتش نجات یافتید؛ و این را به رخ آنها می‌کشد تا بدانند تمسک به حبل‌الله و اتحاد آنها نعمتی است از ناحیه خداوند و در نتیجه، متوجه شوند که تمام دستورات الهی نعمتی از طرف خداوند است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۶۹) و به این دستورات تنها به دیده تکلیف و وظیفه ننگرند، بلکه هدیه‌ای از جانب خداوند بدانند که به سود آنهاست.

بنابراین، نعمت اسلام، که در پی خود نعمت‌های مهم دیگری هم دارد و وضعی را که قبل از اسلام به سبب تفرقه و جهالت داشتند، به آنها یادآوری می‌کند تا محبت خدا را به یاد آورند که چگونه آنها را از ناامنی و زندگی پست آن دوران نجات داد و نعمت اسلام و امنیت و صمیمیت را به آنها بخشید؛ زیرا هرگاه انسان هدیه و نعمتی را از کسی دریافت کند، بعد که آن را به یاد آورد، محبت صاحب نعمت را به خاطر می‌آورد و قدردان آن می‌گردد، به‌ویژه اگر آن نعمت، مهم و حیاتی باشد؛ مانند نعمت امنیت. خداوند با یادکرد نعمت‌ها، لطف و احسان خود را به انسان یادآور می‌شود تا زمینه هدایت او را فراهم سازد؛ زیرا یاد نعمت‌ها، عشق و محبت می‌آورد و محبت اطاعت و تسلیم در پی دارد (قرائتی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۹۷). در جای دیگر، خداوند با یادآوری اعطای نعمت به قوم بنی اسرائیل (بقره: ۴۰، ۴۷، ۱۲۲)، که در بهانه‌گیری و نافرمانی پیامبران الهی مشهورند (بقره: ۲۴۶-۲۴۷؛ مائده: ۲۴)، این احسان و محبت خود را به آنها به خوبی نشان داده است تا زمینه‌ای برای هدایت انسان‌ها گردد. خداوند در این آیات، نعمت‌هایی را که بر یهود افاضه نموده و کرامت‌هایی را که نسبت به آنان مبذول داشته و واکنشی را

یادکرد نعمت‌ها و اصلاح بینش انسان نسبت به

هدف متعالی

آگاهی انسان نسبت به هدف متعالی خود نیز از آثار یادکرد نعمت‌های الهی است. «هدف» یعنی: نشانه‌تیر (عمید، ۱۳۶۷، ص ۲۴۸۱؛ صدوری افشار، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۸۷۷)، و در محاورات عرفی، به نتیجه کار اختیاری که فاعل مختار از آغاز در نظر می‌گیرد و کار را برای آن انجام می‌دهد، گفته می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۶۶-۶۷).

انسان‌ها در زندگی، به دنبال غایت و هدف هستند و حتی افراد برخوردار از مواهب زندگی نیز گاه با این پرسش مواجهند که واقعاً هدف از آفرینش چیست؟ بنابراین، شناخت هدف در زندگی هر انسان، همواره از مسائل مهم بوده است.

خداوند هدف خلقت جن و انس را «عبادت» ذکر می‌کند (ذاریات: ۵۶)؛ هدفی که غایت فعل است، نه غایت فاعل (خدا)؛ زیرا خداوند غنی محض است. برای تحقق این هدف، انسان باید راه کمال انسانی را طی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۷۴). اما بعضی انسان‌ها با تکیه بر امیال و کشش‌های فطری، اهداف مادی را دنبال می‌کنند و تحت تأثیر جاذبه‌های دنیا و نعمت‌های آن، خدا و آخرت را فراموش می‌کنند. به همین سبب است که خداوند می‌فرماید: «ذَرُّهُمْ يَا كَلُوبًا وَ يَسْتَمْتَعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (حجر: ۳)؛ رهایشان کن تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو سرگرمشان کند. پس به زودی خواهند دانست. آنها همه هدف خود را در این دنیا قرار داده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۱۴۱) و فطرت انسانی را فراموش کرده و به عالم ماده و طبیعت تن در داده‌اند.

بنابراین، باید دانست که رفاه و نعمت می‌تواند زمینه‌ساز غفلت یا غرور گردد: «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ» (فصلت: ۵۱)؛ و چون انسان را نعمت بخشیم، روی برتابد و خود را کنار کشد. این غفلت و

است؛ زیرا نعمت‌های خداوند در واقع، جلوه‌های رحمت و احسان او به مردم است: «وَلَكِنِ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَفُورٌ» (هود: ۹)؛ و اگر از جانب خود، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم، قطعاً نومید و ناسپاس خواهد بود. در اینجا، «رحمت» به جای «نعمت» به کار رفته، با اینکه نعمت چشیدنی است، نه رحمت، تا اشاره کند به اینکه هر نعمتی که خدای تعالی به انسان می‌دهد، مصداقی از رحمت خداست؛ زیرا نیازی را از انسان تأمین می‌کند. این در حالی است که خود انسان استحقاق آن را ندارد و از خداوند هم طلبکار نیست (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۴۵)، و اگر انسان نعمت‌های خداوندی را یادآور شود، خواهد دانست که هرچه دارد از خداست و حتی نعمت وجود و حیات خود را نیز از خداوند هدیه گرفته است؛ چنان‌که یادآوری نعمت‌های بهشتی نیز احسان خداوند را به انسان نشان می‌دهد و زمینه هدایت او را فراهم می‌سازد، و وجود نعمت‌های متنوع جسمانی و روحانی در بهشت، نشان‌دهنده اثبات این احسان بیکران خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۲۵۱).

یادکرد این نعمت‌ها، انسان را به تفکر و باور به احسان خداوند وامی‌دارد تا انسان از خداوند تنها یک صورت حسابگر نداشته باشد و بداند اگر راه مستقیم الهی را انتخاب کند، لطف و فیوضات خداوندی برای او بی‌شمار خواهد بود. به همین سبب، وجود کلمه «نعیم» در آیات مربوط به بهشت، به معنای «سرشار از نعمت» بیان شده است (ر.ک: توبه: ۲۱؛ طور: ۱۷؛ واقعه: ۸۹؛ معارج: ۳۸؛ انفطار: ۱۳؛ مطففین: ۲۲).

نتیجه اینکه یادکرد نعمت‌های بی‌انتهای و غیرقابل شمارش خداوند، مهربانی و احسان بی‌انتهای او را به انسان یادآور می‌شود تا انسان بیش از پیش به اطاعت از خداوند راغب شود.

خداوند است: ﴿أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ...﴾ (طور: ۳۷)؛ آیا ذخایر پروردگارت پیش آنهاست؟... و انسان هر چه می‌خواهد باید از صاحب نعمت طلب کند. پس در تعیین اهداف خود، برای بهره‌مندی بیشتر از این نعمت‌ها، باید به بینشی خدامحور دست یابد.

همچنین موحدان راستین در قیامت هم از نعمت و رفاه جاودان برخوردار خواهند شد (احقاف: ۱۴). نعمت‌های اخروی که دارای برتری و عظمت فراوان است، در دنیا امکان تحقق ندارند. پس اگر انسان دارای روحی بیدار باشد، اهداف خود را بر اساس خواست خداوند قرار خواهد داد تا هم در دنیا از نعمت‌های ارزشمند مادی و معنوی برخوردار شود و هم در آخرت از نعمت‌های برتر و وسیع‌تر آنجا بهره‌مند گردد.

یادکرد نعمت‌ها این نکته را به انسان متذکر می‌شود که اگر به فکر کسب کمال حقیقی باشد، علاوه بر بهره‌مندی از نعمت دنیوی، خداوند تلاش وی را در آخرت چندین برابر جبران خواهد کرد؛ انسان با دستیابی به این دیدگاه، به دو هدف گرایش می‌یابد:

۱. رسیدن به درجات عالی معنویت؛ رسیدن به اعلا درجه نعمت‌های الهی، نیازمند رسیدن به درجات عالی معنویت است.

۲. رسیدن به ثواب بیشتر؛ اگر انسان از اعمال خود ثواب بیشتری کسب کند، در معامله با خداوند نیز بهره بیشتری خواهد داشت. پس باید همواره در پی انجام کارهایی باشد که ثواب بیشتری دارند.

یادکرد نعمت‌ها و اصلاح باور در نوع ارزش‌ها

در میان معانی گوناگون «ارزش»، می‌توان به معنای «ارزیدن، شایستگی، قابلیت و استحقاق» اشاره کرد (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۵، ص ۱۸۱۱). مفهوم «ارزش» از حیث عمومیت و دایره شمول، دارای دو کاربرد خاص و

غرور نتیجه فراموش کردن صاحب نعمت است. در این حال، انسان احساس می‌کند که خود صاحب نعمت است و دل به دنیا و نعمت‌های مادی آن می‌بندد. قرآن با یادکرد نعمت‌ها، انسان را از این غفلت رها می‌سازد و موجب تغییر بینش او در جهت شناخت اهداف متعالی می‌گردد.

خداوند در آیه ۱۰۳ آل عمران - که پیش‌تر اشاره شد - با یادآوری نعمت الفت ﴿فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾ و امنیت ﴿فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾، که مردم بعد از اسلام به آن دست یافتند، یادآور می‌شود که اگر این نعمت‌ها نصیب شما شده، در پرتو اسلام و انجام دستورات آن است. بدین صورت، با یادکرد نعمت‌ها در قرآن، انسان‌ها را متوجه اهمیت و آثار اتحاد و سایر قوانین اسلام می‌سازد و موجب تغییر دیدگاه و بینش انسان نسبت به اهداف خود در زندگی می‌شود؛ زیرا انسان اگر بدانند با عمل به احکام اسلام، می‌توانند از نعمت‌های وسیع‌تر و ارزشمندتر برخوردار شود، به‌طور طبیعی سعی می‌کند اهداف خود را به گونه‌ای تنظیم کند که بتواند از نعمت‌هایی که به دنبال پی‌گیری و دستیابی این اهداف نصیب او می‌شود، بهره‌مند گردد.

پس خداوند، به یادآوری نعمت‌ها، امر می‌کند و تعلیمات خود را با ذکر علل و اسباب بیان می‌دارد و از این راه، خلق را به سوی هدایت و رستگاری، که اصلی‌ترین هدف متعالی است، دعوت می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۶۹). در جای دیگر می‌فرماید: ﴿فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (اعراف: ۶۹)؛ نعمت‌های گوناگون و بی‌شمار پروردگار را به خاطر بیاورید تا حس شکرگزاری شما برانگیخته شود و در برابر فرمان او تسلیم شوید تا رستگار گردید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۲۹). از سوی دیگر، وقتی انسان با یادکرد نعمت‌ها، به یاد صاحب نعمت بیفتد، می‌داند که منشأ تمام نعمت‌ها خداست، و گنجینه‌های نعمت و رحمت در انحصار

وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ﴿ (مائده: ۳). نیز فرموده است: ﴿وَلِيْتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ﴾ (مائده: ۶) و همچنین فرموده: ﴿فَأَصْبَحْتُمْ يَنْعَمْتُهُ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳). و اینکه در ادامه آیه موضوع بحث می فرماید: ﴿مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره: ۲۳۱)، به منزله تفسیر برای این نعمت است، و قهراً مراد از «کتاب» و «حکمت» ظاهر شریعت و باطن آن، و به عبارت دیگر، احکام و حکمت احکام است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۷). بنابراین، نعمت دین موجب می شود انسان در پرتو آن، به بهترین ارزش، که سعادت و رستگاری است، دست پیدا کند؛ چنان که در جای دیگر، خدای متعال بعثت پیامبر و نزول قرآن و نجات انسان از وادی ضلالت به ساحل فلاح و رستگاری را متنی از جانب خود می داند: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (آل عمران: ۱۶۴). بی تردید، یادآوری این نعمت انسان را با جایگاه دین و نقش ارزشی آن در سعادت انسان آشنا می سازد.

بنابراین، انسان از راه عقل و فطرت، با شناختی که به دست می آورد، می تواند به ارزش های واقعی آگاه گردد. یادکرد نعمت ها، به ویژه نعمت دین و قرآن، زمینه شناخت این ارزش ها به وسیله عقل و فطرت را برای انسان هموار می سازد. خداوند خطاب به بنی اسرائیل می فرماید: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۴۷ و ۱۲۲)؛ ای فرزندان اسرائیل، از نعمت هایم که بر شما ارزانی داشتم و (از) اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید.

در این آیه، خداوند روی سخن را به بنی اسرائیل کرده و نعمت های خود را به آنها یادآور می شود؛ و این نعمت ها دامنه گسترده ای دارد؛ از نعمت هدایت و ایمان

عام است که در کاربرد خاص، صرفاً شامل امور خوب، زیبا، مطلوب و مقدس است، و در کاربرد عام، مفاهیم مقابل اینها را، که جهات منفی هستند، نیز شامل می شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۸). در این پژوهش، ما کاربرد خاص «ارزش»، یعنی اموری را که در مقابل ضد ارزش ها قرار گرفته اند، مدنظر داریم.

در ارتباط با چیستی ارزش، عنصر «مطلوبیت و تأمین سعادت»، بیش از سایر عناصر مطرح است (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴). علت اصلی اختلاف در ارزش گذاری انسان ها (۱) نداشتن درکی درست از کمال مطلوب؛ (۲) نداشتن فهمی روشن از رابطه افعال اختیاری انسان و کمال مطلوب. پس انسان به ابزاری برای شناخت صحیح کمال مطلوب و آگاه شدن از این رابطه نیاز دارد. دو نوع ابزار برای آگاهی در این باره وجود دارد: عقل و فطرت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۳۵). فطرت انسانی می تواند فرد را به ارزش ها هدایت کند. اگر انسان به ندای فطرت گوش دهد، برای آن خواسته هایی می یابد؛ از جمله: میل به حقیقت جویی، میل به بقا، و کمال خواهی، که مسلماً نمی تواند به همه آنها به صورت هماهنگ و معقول در این دنیا دست یابد. پس باید به سوی جهانی ورای این جهان و نعمت هایی ورای این نعمت ها دست یابد. علاوه بر فطرت، عقل درونی انسان با کمک پیام الهی و سیره و سخن معصومان علیهم السلام و پیامبران می تواند او را در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

خدای متعال در سوره بقره، آیه ۲۳۱ می فرماید: ﴿وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾. مراد از «نعمت» در این بخش از آیه شریفه، که خدای متعال انسان ها به یادآوری آن فرامی خواند، «نعمت دین» است که از راه عمل به شرایع دین، موجب هدایت و سعادت انسان می شود؛ چنان که خدای سبحان در آیات ذیل، سعادت دینی را «نعمت» خوانده، و فرموده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ

چون فطرت درونی انسان زمینه مناسب برای سوق دادن به کسب ارزش‌هاست، قرآن از یادکرد نعمت‌ها استفاده کرده، به هدایت انسان‌ها می‌پردازد. این مسئله در آیاتی همانند آیه مزبور، که نعمت‌های دنیوی عطا شده به بنی اسرائیل را فضل و رحمتی از جانب خدا دانسته، به خوبی نشان داده شده است.

بر اساس قرآن، اگر انسان تقوا و ایمان به خدا داشته باشد در این دنیا نیز می‌تواند از نعمت‌های الهی که به فراوانی از سوی خداوند به او عطا می‌شود، بهره‌مند گردد. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند. پس به (کیفر) دستاوردشان (گریبان) آنان را گرفتیم. یادکرد نعمت‌ها در این‌گونه آیات، موجب توجه انسان به ارزش ایمان و تقوای الهی می‌گردد.

همچنین با یادآوری نعمت‌های بهشتی، انسان بی‌ارزشی بهره‌ها و قدرت افراد کافر در دنیا را نسبت به نعمت‌های جاودانه بهشت به خوبی حس خواهد کرد. خداوند می‌فرماید: «مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ يَسْئَلُونَ الْمِهَادُ» (آل عمران: ۱۹۷)؛ (این) کالای ناچیز (و برخورداری اندکی) است، سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد قرارگاهی است! و می‌فرماید: «لَٰكِنَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ» (آل عمران: ۱۹۸)؛ ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغ‌هایی خواهند داشت که از زیر (درختان) آن نهرهایی روان است. در آنجا، جاودانه بمانند. (این) پذیرایی از جانب خداست و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.

با توجه به این‌گونه آیات، که در قرآن فراوان ذکر شده

گرفته، تا رهایی از چنگال فرعونیان و بازیافتن عظمت و استقلال، همه را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۱). «مَنْ» و «سَلْوَى» از آسمان برایشان فرفرستاد و به ایشان چیزهایی داد که به جهانیان نداد (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۶۳). علت برتری آنها نیز این نعمت‌هاست (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۸) که خداوند برای هدایتشان و تمام کردن حجت، به آنها اختصاص داد.

منظور از «اذْكُرُوا نِعْمَتِي» نعمت‌هایی مانند نعمت رسل، کتب، نجات از فرعون، و تمکین در زمین است (طسبری، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۷) و به‌طور کلی، منظور «نعمت» هدایت است که سایر نعمت‌ها را به دنبال خود دارد و سایر نعمت‌ها باقی نیست، جز بعد از کسب آن و تمسک به آن و وفا به ملتزم شدن به آن (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰)، به وسیله این یادآوری، انسان درمی‌یابد برای کسب این نعمت‌ها، باید ارزش‌هایی را رعایت کند که صاحب این نعمت‌ها از او می‌خواهد تا زمینه کسب این نعمت‌ها و مانند آن برایش فراهم شود و او را هرچه بیشتر به مسیر کمال، که سرانجام آن بهشت پر نعمت است، برساند و اینچنین هماهنگی بین امور فطری انسان نیز فراهم می‌شود؛ زیرا انسان به لحاظ بینشی کمال طلب است.

بر این اساس، اسلام به ارزش‌گرایی می‌پردازد و با ضدارزش‌هایی مانند بت‌پرستی، شرک، و تعصب مبارزه می‌کند و محور شخصیت را از اموال و اولاد و ثروت، به تقوا و عمل صالح تغییر می‌دهد (توبه: ۱۰۹؛ آل عمران: ۱۰۳؛ مائده: ۲۰؛ نحل: ۹۰؛ سبأ: ۳۷). انسان با یادآوری نعمت‌ها و اینکه آنها در پرتو توجه به ارزش‌های اسلامی تحقق‌یافتنی است، نه توجه به دنیا و مادیات آن، بی‌ارزشی دنیا را درمی‌یابد. او در پی رسیدن به ارزش‌های جاودانه و معنوی، به این نعمت‌ها دست پیدا می‌کند. پس

و یسآدآور نعمت‌های جساودان بهشتی است، انسان درمی‌یابد که نعمت قرآن و هدایت برترین نعمت‌هاست و به فضل و رحمت خداست که باید شاد شوند (یونس: ۵۸). پس رسیدن به بهشت و نعمت‌های آن، تنها با داشتن تقوا و ایمان قابل حصول است.

بدین‌روی، نعمت‌های یسآدشده در قرآن در واقع، تشویقی به سمت ارزش‌ها و فاصله‌گرفتن از ضدارزش‌هاست.

یادکرد نعمت‌ها و اصلاح باور به دنیا و مادیات آن

«دنیا» از ریشه «دُنُو» به معنای «نزدیکی» گرفته شده و منظور نزدیکی زمانی دنیا در مقابل آخرت است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ماده دنو؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ماده دنو).

واژه «دنیا» قریب ۱۱۵ بار در قرآن آمده و به دو معنا به کار رفته است: الف. نشئه طبیعت در برابر نشئه آخرت (بقره: ۲۰۱؛ ملک: ۵)؛ ب. تعلقات و اعتبارات (حدید: ۲۰) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

آنچه در اینجا مقصود ما از «دنیا» است، زمین و آسمان و دریا و مانند آن نیست، بلکه مراد دل بستن به عناوین اعتباری است که هرکدام مایه تفاخر بی‌جا و تکاثر نارواست.

در بسیاری از آیات، از دنیا یا امکانات مادی آن مدح شده است. «مال» به عنوان «خیر» معرفی شده و مواهب مادی تحت عنوان «فضل خدا» آمده است (ر.ک: بقره: ۸۰؛ جمعه: ۱۰؛ بقره: ۲۹). ولی در عین حال، تعبیراتی که دنیا را تحقیر می‌کند نیز به چشم می‌خورد؛ در یک‌جا، آن را «عرض» و متاع فانی می‌شمرد و در جای دیگر، آن را مایه غفلت و غرور می‌داند (نساء: ۹۴؛ حدید: ۲۰؛ عنکبوت: ۶۴؛ نور: ۳۷). این تعبیرات متضاد بدان‌روست که دل‌بستگی به دنیا و نعمت‌های آن انسان را از کمالات بازمی‌دارد، و از سوی دیگر، استفاده از همین مواهب و

نعمت‌ها می‌تواند او را به معنویت و خدا نزدیک‌تر سازد و زمینه‌ای برای رسیدن او به کمال شود. اگر انسان از خواهش‌های نفسانی پیروی کند و به دنیا دل ببندد، به تدریج، این صفت دل را می‌میراند و انسان را از طاعت خدا بازمی‌دارد، در صورتی که دنیا محلی برای بندگی است. به همین سبب، خداوند گرچه بهره‌گیری درست از نعمت‌ها را منع نکرده است، اما هشدار می‌دهد آنچه ارزش واقعی دارد و پایدار است و می‌توان به ثمرات آن اطمینان داشت، باقیات صالحات است (ر.ک: نحل: ۹۷؛ کهف: ۸۸).

پس دنیا باید محلی برای عبادت و بندگی قرار گیرد و نعمت‌های آن تنها ابزاری برای آزمایش انسان است. خداوند با اعطای نعمت و سلب آن، انسان‌ها را آزمایش می‌کند: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (هود: ۷)؛ و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید. یادکرد نعمت‌ها در قرآن نیز این مسئله را به انسان‌ها گوشزد می‌کند.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبُّوْنَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ (ابراهیم: ۶)؛ و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن‌گاه که شما را از فرعونیان رهانید؛ (همانان) که بر شما عذاب سخت‌روا می‌داشتند و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده می‌گذاشتند و در این (امر)، برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود.

آیه مربوط به زمانی است که حضرت موسی عليه السلام به قوم خود گفت: نعمت‌های خدا را به یاد آورید؛ آن روز که از آل فرعون و به‌ویژه از قبطیان نجاتتان داد؛ قبطیانی که دایم شما را شکنجه می‌دادند، پسرانتان را می‌کشتند و

قرآن نه تنها مال و فرزند، بلکه همه نعمت‌های دنیا را وسیله آزمایش می‌داند: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَهْلَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف: ۷)؛ در حقیقت، ما آنچه را بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام‌یک از ایشان نیکوکارترند. پس آنچه از نعمت‌ها در اختیار انسان است، اگرچه مورد علاقه انسان است، اما در واقع، وسیله‌ای برای آزمایش انسان و مشخص شدن بندگان درستکار و مخلص الهی است.

به همین سبب، خداوند هنگام یادآوری نعمت‌ها، بر دو جنبه بیشتر تأکید می‌کند: ۱. فناپذیری دنیا؛ ۲. ابدیت آخرت. این موضوع در آیات متعددی با تعبیر «قلیل» بودن دنیا (آل عمران: ۱۹۷؛ نساء: ۷۷؛ توبه: ۳۸؛ نحل: ۱۱۷) و «ابقی» بودن آخرت (طه: ۱۳۱؛ قصص: ۶۰؛ اعلی: ۱۷) خاطر نشان شده است. زندگی دنیا آمیخته با رنج و زحمت است، اما نعمت‌ها و لذت‌های آخرت عاری از هرگونه رنج و در حد اعلای آن است. این مسئله را با مشاهده نعمت‌های بهشتی در قرآن به وضوح می‌توان دید. در آیاتی که مسئله قلیل بودن دنیا مطرح شده، از نعمت‌های دنیا به عنوان متاع و بهره اندک یاد شده است. پس هرگاه انسان به وسیله یادآوری نعمت‌ها، صاحب نعمت را بشناسد و صاحب نعمت بگوید که اینها متاع اندک است و نعمت برتر در آن جهان است، این نعمت‌ها در نظر بشر، کم‌ارزش و ناچیز می‌شود و دنیا و نعمت آن در مقابل آخرت متاعی بی‌ارزش می‌شود.

علاوه بر این، روح کمال‌طلب انسان نعمت‌های دنیا را مطابق فطرت درونی خود نمی‌بیند و پس از یادآوری و مشاهده نعمت‌های اخروی، که جاودان و در حد اعلا و غیرقابل مقایسه با نعمت‌های دنیوی است، و نعمت‌های دنیوی که همراه رنج و فانی است، به بی‌ارزشی دنیا و مادیات آن در مقابل آخرت پی می‌برد. در این صورت، دنیا در نظرش تنها مرحله‌ای است که باید با موفقیت آن را

دخترانستان را برای کسفتی و رخت‌شویی زنده نگه می‌داشتند. در این وقایع، امتحان بزرگی از ناحیه پروردگارتان است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۱).

همچنین اشاره دارد که نعمت‌رهایی از نظام‌های ظالمانه نیز از آزمایش‌های الهی است و یادآوری می‌کند که مبادا به نعمت‌های دنیوی دلخوش کنید؛ زیرا اینها تنها وسیله آزمایش انسان هستند و نباید هدف زندگی قرار گیرند. در واقع، می‌فرماید: هرچه در دنیا از سختی‌ها و خوشی‌ها برای انسان به وجود می‌آید، چیزی جز آزمایش الهی نیست. پس در هنگام رفاه و خوشی، نباید دچار دل‌بستگی به دنیا شد و در هنگام سختی، نباید ناامید و مأیوس گردید؛ آنچه در دنیا به انسان می‌رسد، پایدار نیست و انسان باید پاسخگوی اعمال خود باشد.

قرآن می‌فرماید: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ» (فجر: ۱۵)؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می‌آزماید و عزیزش می‌دارد و نعمت فراوان به او می‌دهد، می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است.

برای مثال، انسان به مال و فرزند علاقه فراوان دارد، و در قرآن این دو غالباً همراه یکدیگر ذکر شده‌اند (ر.ک: انفال: ۲۸؛ سبأ: ۳۸؛ کهف: ۴۶) و ارزش‌های مثبت و منفی مشترکی برای آن دو مطرح گردیده است. اما قرآن با کسانی که مال و فرزند را هدف اصلی زندگی یا عامل تقرب به خدا می‌دانند، مخالفت می‌کند و این دو را تنها دو وسیله آزمایش می‌داند: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ ءَامِنُونَ» (سبأ: ۳۷)؛ و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند. پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌های (بهشتی) آسوده‌خاطر خواهند بود.

رنگ تقوا دارند، با تعبیر گوناگون، به عنوان عامل سعادت اخروی و مجوز ورود به بهشت معرفی شده‌اند (ر.ک: قمر: ۵۵؛ هود: ۴۹؛ نساء: ۷۷؛ نبا: ۳۱). بنابراین، یکی از اهداف یادکرد نعمت‌ها، تأکید و توجه به مقام تقواست. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَسْتُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (مائده: ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند و (خدا) دستشان را از شما کوتاه داشت، و از خدا پروا کنید و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

در این آیه، خداوند پس از یادآوری نعمت‌های الهی در آیات قبل، بار دیگر روی سخن را به مسلمانان می‌کند و قسمت دیگری از نعمت‌های خود را به آنها یادآوری می‌کند تا به شکرانه آن، در اطاعت او و رسیدن به تقوا تلاش کنند.

در اینکه آیه ناظر به کدام واقعه تاریخی است، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۶۲-۲۶۳)؛ اما نمی‌توان گفت نظر به واقعه خاصی دارد، بلکه منظورش مطلق توطئه‌هایی است که مشرکان علیه مسلمانان و برای کشتن آنان و محو کردن اسلام طراحی کردند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۳۸). در اینجا، تحذیر و نهی شدید از ترک تقوا صورت گرفته و اشاره است به داستان یهود و نصارا که خداوند آنها را به لعن خود و قساوت قلب گرفتار ساخت (همان)؛ زیرا یهود و نصارا عهدشکنی کردند (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۴۰) و به جای تقوای الهی، دست به جنایت زدند. در نتیجه، از بهره‌های دین و خیر و سعادت ناشی از آن بی‌بهره ماندند. قرآن می‌فرماید: هرکس از دین رویگردانی کند و تقوا را کنار بگذارد، از مواهب الهی، که ناشی از این تقواست، محروم خواهد ماند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵،

پشت سرگذارد، نه جایی برای ماندن و دل بستن تا بتواند به بهشت و نعمت‌های ابدی آن برسد. بر این اساس است که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ (طه: ۱۳۱)؛ اگر زنان و مردانی از آنها را از یک زندگی خوش بهره‌مند ساخته‌ایم، تو به آنها منگر؛ این برای آن است که امتحانشان کنیم. رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است. بدین‌سان، باور انسان به دنیا اصلاح می‌شود و انسان پی می‌برد که دنیا و مادیات آن برای رسیدن به سعادت واقعی است. پس هنگام استفاده از نعمت‌ها، به قرار دادن آنها در مسیر الهی توجه خواهد کرد.

یادکرد نعمت‌ها و اصلاح باور به مقام تقوا

«تقوا» یعنی: حفظ و صیانت از نفس درباره چیزهایی که از آن بیمناکیم. در عرف و شرع، «تقوا» عبارت است از: حفظ نفس از آلوده شدن به گناه که با ترک منہیات و بعضی از مباحات حاصل می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۸۵۰-۸۵۱). به‌طور کلی، دو معنا برای «تقوا» بیان کرده‌اند: ۱. پرهیزگاری؛ ۲. ترس از خدا و اطاعت از امر او (دهخدا، ۱۳۳۵، ج ۱۵، ص ۸۵۲-۸۵۳؛ عمید، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۱۲؛ مسعود، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۲۰؛ دانشگر، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸). «تقوا» مفهومی عام است که بر بسیاری از افعال خوب و یا حتی بر همه کارهای خوب از جهت مصداقی، اطلاق می‌شود (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۰). اما اصل «تقوا» به معنای «خود را نگه داشتن» است (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۴۱) و خودنگه‌داری یعنی: تسلط بر نفس (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۷، ص ۴۰۶)؛ یعنی با اطاعت از خداوند، از عذاب او دوری کردن (عضیمه، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴-۱۵۹). تقوا در قرآن، به عنوان عامل سعادت انسان معرفی شده و بر رعایت آن، بسیار تأکید شده است (بقره: ۵-۲). در آیات فراوانی، تقوا یا مصادیق آن و کارهایی که

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت مطالب زیر به دست می‌آید:

۱. یادکرد نعمت‌ها از جهت اصلاح باور به خداوند، باور به احسان خداوند و اصلاح باور در زمینه ارزش‌ها، دنیا و مقام تقوا، می‌تواند بر بیش از ناسان‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد.
۲. اگر انسان از غفلت بپرهیزد و با نگاهی عمیق‌تر به نعمت‌ها توجه کند، بر اساس فطرت کمال‌طلب خود و از راه استدلال، که در پی کسب منفعت و دفع ضرر است، و با یادآوری محبت خداوند، تحولی بنیادین در ارزش‌ها، اهداف و باورهایش ایجاد خواهد شد.
۳. تحول ناشی از یادکرد نعمت‌ها، از همه جهات، زندگی انسان را در مسیر امیدوارانه و هماهنگ با خواسته‌ها و غرایز درونی قرار می‌دهد.
۴. یادآوری وسعت و شکوه نعمت‌های بهشتی انسان را در راه رسیدن به سعادت جاودان، اشتیاق و تحرک می‌بخشد.

منابع

- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، معجم المقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌کنیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ص ۲۳۸) و گرفتار خواهد شد؛ زیرا کارهای جهان از یک نظام پیروی می‌کند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۵).

پس یادآوری نعمت‌ها و سپس امر به تقوا، نشانگر آن است که یاد نعمت‌ها نقش مؤثری در میل به تقوا دارد؛ زیرا انسان با یاد نعمت‌ها، به یاد صاحب نعمت و محبت او می‌افتد و بر اساس عقل و به پاس محبت خداوند، سعی در تقویت تقوا در درون خود خواهد داشت و خداوند در این آیه، از این مسئله برای هدایت انسان‌ها استفاده کرده است. انسان بنده محبت است و حتی اگر از کسی هدیه‌ای کوچک دریافت کند، محبت صاحب آن را می‌فهمد و سعی در جبران آن خواهد نمود. پس هرگاه نعمت‌های خداوند را با این همه تنوع و وسعت به یاد می‌آورد، به وسیله تقوا، که رضایت صاحب نعمت را در پی دارد، سعی در جبران آنها خواهد داشت.

قرآن به کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو کرده‌اند وعده آمرزش و مزدی بزرگ داده است (همان، ج ۱۶، ص ۹۴). این پاداش علاوه بر نعمت‌های دنیوی، نعمت‌های ابدی و بیکران اخروی را نیز دربر می‌گیرد: (بقره: ۲۱۲؛ آل‌عمران: ۱۹۸؛ رعد: ۳۵؛ مائده: ۶۵؛ زمر: ۷۳). این مسئله انسان را آگاه می‌سازد که دنیا نه محلی برای خوش‌گذرانی و دل‌بستگی، بلکه محلی برای کسب فضایل است تا در سایه آنها بتواند به این مواهب و نعمت‌ها دست یابد. نعمت‌های خداوند در صورتی به او تعلق می‌گیرد که تقوای الهی را پیشه سازد و بی‌تقوایی مانعی در راه رسیدن به نعمت‌ها، چه در دنیا و چه در آخرت است.

به همین سبب، قرآن مکرر مسلمانان را به یاد نعمت‌های گوناگون و الطاف خداوند می‌اندازد تا به این وسیله، روح ایمان‌رادر آنها تقویت کند و حس شکرگزاری را در آنها برانگیزد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۳۸).

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جرجانی، علی بن محمد، بی تا، *التعریفات*، بی جا، بی تا.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، *مبانی اندیشه اسلامی (۳)*، انسان، راه و راهنماشناسی، زیر نظر محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *مبانی اندیشه اسلامی (۴)*، درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام، زیر نظر محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *دین‌شناسی و دین‌شناسی در نهج البلاغه*، تحقیق عباس رحیمیان، چ پنجم، قم، اسراء.
- جوادی آملی، ۱۳۸۸، *معاد در قرآن*، تحقیق علی زمانی قمشه‌ای، چ ششم، قم، اسراء.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران، بی تا، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دانشگر، احمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی نوین*، تهران، حافظ نوین.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴، *درآمدی بر حقوق اسلامی*، قم، انتشارات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۵، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه.
- راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، *مفردات الفاظ القرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی، چ سوم، تهران، مرتضوی.
- رجبی، محمود، ۱۳۷۷، «اهداف قرآن و شروط و موانع بهره‌مندی از آن»، *معرفت*، ش ۲۴، ص ۵۲-۶۲.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۲۲ق، *تفسیر الوسیط*، دمشق، دارالفکر.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۷۳، *منشور جاوید*، چ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صادق تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدری افشار، غلامحسین، ۱۳۸۸، *فرهنگ نامه فارسی، واژگان و اعلام*، تهران، فرهنگ معاصر.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عظیمه، صالح، ۱۳۸۰، *معناشناسی واژگان قرآن*، ترجمه حسین سیدی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- عمید، حسین، ۱۳۶۷، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *العین*، قم، هجرت.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من و حی القرآن*، بیروت، دارالماک للطباعة و النشر.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۱، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مدرسی، محمد تقی، ۱۴۱۹ق، *من الهدی القرآن*، تهران، درالمحبی الحسین.
- مسعود، جبران، ۱۳۸۳، *فرهنگ الفیایی الزائد*، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، چ چهارم، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصباح، ۱۳۹۰، *انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و تدوین محمود فتحعلی، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- مصباح، محمد تقی، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، تحقیق محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه نشر و ترجمه.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۲ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.